

تأثیر دوره تصدی حسابرِس بر کیفیت افشای اطلاعات در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

دکتر یداله نوری فرد^۱، فاطمه زهرا شربتی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۳/۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۵

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه دوره تصدی حسابرِس با کیفیت افشا است. نمونه این پژوهش، شامل ۹۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، در طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ است. از لحاظ نظری، دوره تصدی از طریق تأثیر بر کیفیت و استقلال حسابرِس می‌تواند بر کیفیت افشای اطلاعات تأثیر بگذارد. برای سنجش متغیر کیفیت افشا از امتیازهای متعلق به هر شرکت استفاده می‌شود. این امتیازها از سوی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعاتیه «کیفیت افشا و اطلاع‌رسانی مناسب» استخراج شده است. از این رو، هدف ما در این پژوهش، بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و کیفیت افشا با بهره‌گیری از تحلیل رگرسیون خطی چندگانه و تفکیک دوره تصدی حسابرِس به دو دوره کوتاه‌مدت و بلندمدت است. نتایج پژوهش، بر وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین دوره تصدی حسابرِس و کیفیت افشا دلالت دارد. به عبارت دیگر، با افزایش دوره تصدی حسابرِس، کیفیت افشای اطلاعات افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: دوره تصدی حسابرِس، کیفیت حسابرِس، کیفیت افشا، قابلیت اتکا، به‌موقع بودن.

۱. مقدمه

تغییرات وسیعی در چند دهه اخیر، در حجم، پیچیدگی و گستردگی عملیات مالی، وظایف مدیران در امور مالی واحدهای انتفاعی، اتفاق افتاده است که این امر موجب مسئولیت‌های بیشتر مدیران مالی شده است؛ و از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران برای اطمینان از درستی گزارش‌های ارائه‌شده از سوی مدیران، نیاز به بررسی درست‌بودن اطلاعات از سوی افرادی خارج از سازمان دارند که این امر، از سوی حسابرسان مستقل و مؤسسات حسابرسی انجام می‌گیرد. اطلاعاتی که از سوی حسابرسی با کیفیت بالاتر به عموم عرضه شده است،

میزان اطلاعات محرمانه موجود درباره شرکت را کاهش می‌دهد و در نتیجه، نابرابری اطلاعاتی بین فعالان بازار کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، در پی رسوایی‌های مالی اخیر در سطح جهان، نگرانی ناشی از آثار روابط طولانی حسابرِس و صاحب‌کار بر استقلال حسابرِس و کیفیت حسابرسی و از سوی دیگر، بر کیفیت افشا، موجب تدوین قوانینی مبنی بر محدودکردن این روابط شده است. برای مثال می‌توان به تصویب قانون ساربنز - آکسلی در جولای ۲۰۰۲ اشاره کرد. این قانون، مؤسسات حسابرسی را ملزم می‌کند، شریکان و مدیران خود را بعد از ۵

اعتباردهندگان، دولت و سایر استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی شرکت‌ها، برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مهم به اطلاعات مالی معتبر، مربوط و باکیفیت نیاز دارند. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران، زمانی در یک واحد اقتصادی سرمایه‌گذاری می‌کنند که در ابتدا اطلاعات کافی داشته باشند و نیز به این اطلاعات اطمینان کنند. افشای مالی ضعیف، موجب گمراهی سهامداران می‌شود و اثر نامطلوبی بر ثروت آنها دارد؛ و نیز اعتباردهندگان، بدون اطلاع از وضعیت مالی و عملکرد مالی یک واحد، نمی‌توانند منابع مالی خود را در اختیار شرکت‌ها و سازمان‌ها قرار دهند. بنابراین انتظار داریم کیفیت افشای اطلاعات ارائه‌شده از طریق شرکت‌ها بر تصمیم‌گیری و ارزیابی استفاده‌کنندگان مؤثر باشد. براساس مفروضات اساسی تئوری نمایندگی، بین مالک و نماینده، تضاد منافع بالقوه وجود دارد. برای جلوگیری از تضاد منافع، یک سری سازوکارهای کنترلی در نظر گرفته می‌شود که این اقدامات، مدیریت شرکت را با منافع سرمایه‌گذاران، همسو می‌کند. اطلاعات افشاشده، به‌عنوان بخشی از سازوکارهای کنترلی، به سرمایه‌گذاران در منضبط‌ساختن مدیران شرکت‌های سرمایه‌پذیر کمک می‌کند و باعث ترغیب مدیران می‌شود تا آنها در راستای منافع سهام‌داران و بهبود عملکرد شرکت گام بردارند.

از سوی دیگر، در پی رسوایی‌های مالی اخیر در سطح جهان و بروز نگرانی‌هایی درباره توان اتکای صورت‌های مالی، انگشت اتهام به‌سوی حسابرسان نشانه رفته است، تا جایی که از این وقایع به‌عنوان شکست حسابرس یاد می‌شود. دیدگاه عموم، این است که نبودن استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی، موجب وقوع چنین وقایعی شده است (لی^۱، ۲۰۰۷). این نگرانی‌ها درباره استقلال حسابرسان، باعث شد کمیته‌های نظارتی مربوط به بورس‌های اوراق بهادار به فکر راه‌حل باشند. علاوه بر این، قانون چرخش اجباری حسابرسان و محدودکردن دوره تصدی آنها در برخی کشورها تصویب شد. درواقع آنها استدلال می‌کنند که دوره تصدی طولانی‌تر، ممکن است به کاهش استقلال و بی‌طرفی

سال متوالی کار حسابرسی برای یک صاحب‌کار، تغییر دهند و یا الزام سازمان بورس اوراق بهادار تهران به تغییر حسابرس شرکت‌ها، مسلماً ناشی از نگرانی دست‌اندرکاران و مسئولان بازار سرمایه درباره استقلال، کیفیت حسابرسی و ... است.

در پژوهش‌های دوره تصدی حسابرس، این امر بررسی می‌شود که آیا مدت طولانی رابطه حسابرس - صاحب‌کار بر کیفیت حسابرسی تأثیر دارد یا خیر. علت و محرک این پژوهش‌ها نیز دعوت به تغییر اجباری یا اختیاری حسابرس است. استدلالی که در راستای تغییر حسابرس عنوان می‌شود، این است که دوره تصدی بلندمدت، استقلال حسابرس را خدشه‌دار می‌کند. از سوی دیگر، مخالفان تغییر حسابرس، بر ضعف اطلاعاتی حسابرس در مدت کوتاه تصدی حسابرسی تأکید می‌کنند و معتقدند، چرخش اجباری، باعث به‌وجودآمدن ضعف اطلاعاتی حسابرس و در نتیجه، سبب افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرس و صاحب‌کار و کاهش کیفیت حسابرسی می‌شود. باتوجه به مطالب مذکور، می‌توان انتظار داشت، دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت افشای اطلاعات مؤثر باشد. بنابراین، در این پژوهش، درباره این مسئله که دوره تصدی حسابرسی چه تأثیری بر کیفیت افشای اطلاعات دارد، بررسی می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

اگرچه مسئولیت اصلی تهیه صورت‌های مالی برعهده مدیریت شرکت است، از آنجا که تهیه صورت‌های مالی، مستلزم استفاده از برآورد و قضاوت پیرامون رویه‌ها و استانداردهای حسابداری مناسب است، امکان دارد، اشتباهات سهوی و یا عمدی در صورت‌های مالی رخ دهد؛ بنابراین، صحت ارائه صورت‌های مالی، امری نسبی است و مطلق نیست.

گزارش مالی باکیفیت، ارزیابی رویدادهای گذشته، حال و پیش‌بینی آینده را ممکن می‌سازد و مبنای مناسبی برای تصمیم‌گیری فراهم می‌کند. بنابراین، صاحبان سرمایه،

حسابرس است. استدلالی که در راستای تغییر حسابرس عنوان می‌شود، این است که رابطه درازمدت حسابرس - صاحب‌کار ممکن است، باعث ضعف استقلال حسابرِس و درنهایت، قصور حسابرس در انجام نقش شهادت‌دهی خود شود. یک راهکار پیشنهادی برای رفع این نگرانی، کاهش دوره تصدی و چرخش اجباری حسابرسان است.

استدلال مخالف نیز این است که حسابرسان دارای انگیزه‌های اقتصادی قوی برای حفظ استقلال هستند و سازوکارهای داخلی از قبیل چرخش کارکنان برای حفظ استقلال و تردید حرفه‌ای حسابرسان کافی است (فرانسیس)^۱، (۲۰۰۴).

کاشانی‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، با بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار به این نتیجه دست یافتند که بین اقلام تعهدی اختیاری و دوره تصدی حسابرِس، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش ستایش و همکاران (۱۳۹۰)، که درباره تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار بررسی کرده‌اند، بیانگر آن است که رابطه مثبت و معناداری بین اندازه شرکت و نقدشوندگی جاری و آتی وجود دارد؛ اما بین کیفیت افشا و نقدشوندگی جاری و آتی شرکت رابطه معناداری وجود ندارد. علاوه بر آن، رابطه منفی و معناداری بین کیفیت افشا و هزینه سرمایه سهام عادی جاری و آتی وجود دارد.

کارسلو^۲ و رید^۳ (۲۰۱۴)، پژوهشی درباره اثر واکنش سرمایه‌گذاران به چشم‌انداز چرخش اجباری شرکت‌های حسابرِس انجام دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که بازار نسبت به چشم‌انداز اجباری حسابرسان واکنش منفی نشان می‌دهد. لی (۲۰۱۰)، در بررسی دوره تصدی حسابرِس و رابطه آن با گزارشگری محافظه‌کارانه، به این نتیجه رسید که در شرکت‌های بزرگ و شرکت‌هایی که ازسوی حسابرِس، کنترل و مراقبت می‌شوند، رابطه مثبت وجود دارد؛ اما درباره

حسابرس منجر شود. به عبارت دیگر، دوره تصدی طولانی‌تر، می‌تواند به عنوان افزایش منافع اقتصادی حسابرِس تعبیر شود. ازسوی دیگر، حرفه حسابرِس ادعا می‌کند، شواهدی مبنی بر کاهش استقلال حسابرسان وجود ندارد و پیامدهای این گونه قوانین محدودکننده، به افزایش هزینه برای صاحب‌کاران و سرمایه‌گذاران منجر می‌شود.

پدیده تصدی حسابرِس، باعث مطرح‌شدن استدلال‌هایی ازسوی مخالفان و موافقان این پدیده شد. موافقان تصدی کمتر حسابرِس، تأکیدشان بر جنبه استقلال حسابرِس و نگاهی تازه به حسابرِس است. آنان ادعا می‌کنند، در رابطه‌های طولانی مدت حسابرِس با صاحب‌کار خدشه‌دار می‌شود. ازسوی دیگر، مخالفان تغییر حسابرِس بر ضعف اطلاعاتی حسابرِس در مدت کوتاه تصدی حسابرِس تأکید دارند و معتقدند، چرخش اجباری، باعث به وجود آمدن ضعف اطلاعاتی حسابرِس و در نتیجه، باعث افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین حسابرِس و صاحب‌کار و کاهش کیفیت حسابرِس می‌شود. بنابراین، هرچه کیفیت حسابرِس بهتر باشد، احتمال اینکه صورت‌های مالی به طور مناسب‌تری وضعیت مالی و نتایج عملیات واحد تحت حسابرِس را منعکس کند، افزایش می‌یابد. از آنجا که میزان اطلاعات درباره شرکت در هر نقطه‌ای از زمان محدود است، اطلاعاتی که ازسوی حسابرِس با کیفیت بالاتر به عموم عرضه شده است، میزان اطلاعات محرمانه موجود درباره شرکت را کاهش می‌دهد و به کاهش نابرابری اطلاعاتی بین فعالان بازار منجر می‌شود. بنابراین، کیفیت بالای افشا، موجب هماهنگی بیشتر مدیران و سرمایه‌گذاران در رابطه با تصمیم‌های سرمایه‌گذاری می‌شود (و برعکس).

۳. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های دوره تصدی حسابرِس، پیرامون این امر بررسی می‌شود که آیا مدت طولانی رابطه حسابرِس - صاحب‌کار بر کیفیت حسابرِس تأثیر دارد یا خیر؟ علت و محرک این پژوهش‌ها نیز دعوت به تغییر اجباری یا اختیاری

1. Francis

2. Carcello, Jpseph V.

3. Reid, Lauren V.

شرکت‌های کوچک و شرکت‌هایی که از سوی حسابرسان مراقبت شدید نمی‌شوند، رابطه منفی وجود دارد.

گول^۱ و همکاران (۲۰۰۹)، تأثیر تخصص صنعت را بر رابطه بین دوره تصدی و کیفیت سود بررسی کردند و دریافتند که رابطه بین دوره تصدی کوتاه‌تر و کیفیت سود پایین‌تر برای شرکت‌هایی که متخصصان صنعت حسابرسی می‌کنند، ضعیف‌تر است. آنها این‌گونه استدلال کردند که اگر حسابرس به دلیل رابطه کوتاه‌مدت با صاحب‌کار فاقد دانش خاص صاحب‌کار باشد، اما در خصوص کسب و کار صاحب‌کار دارای تخصص باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که موارد غیرقانونی و ارائه‌های نادرست را کشف کند و حسابرسی‌های با کیفیت بالا ارائه کند. چی^۲ (۲۰۰۹)، تأثیر کیفیت افشا بر عملکرد شرکت‌های تابوانی را بررسی کرد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که رابطه مستقیم و معناداری بین کیفیت افشا و عملکرد شرکت‌ها وجود دارد.

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش: این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی از نوع همبستگی است و با توجه به اطلاعات به دست آمده، از نظر نوع و تعداد، به صورت تحلیل تجمعی داده‌ها انجام شده است و از اطلاعات تاریخی شرکت‌ها استفاده شده است. در این پژوهش، متغیرهای وابسته کیفیت افشا، قابلیت اتکا، به موقع بودن و متغیر مستقل دوره تصدی حسابرس است. طرح پژوهش آن، از نوع شبه تجربی و با استفاده از رویکرد پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از روش رگرسیون خطی ترکیبی استفاده شده است. برای اطمینان از غیرکاذب بودن مدل، از آزمون مانایی و برای تعیین روش تخمین مدل‌ها (تلفیقی یا تابلویی)، از آزمون F لیمر، و در صورت انتخاب روش تابلویی، از آزمون هاسمن برای انتخاب یکی از روش‌های اثرات ثابت یا اثرات تصادفی استفاده شده است. تجزیه و تحلیل از طریق آزمون‌های t ، F

و ضریب تعیین انجام شده است.

جامعه آماری، نمونه آماری و بازده زمانی

پژ و هش

شرط لازم برای انجام هر پژوهشی، در دسترس بودن اطلاعات است. در وضعیت کنونی ایران، اطلاعات مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در دسترس است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، در دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ در نظر گرفته شده است. در پژوهش حاضر، برای تعیین نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. به این منظور، آن دسته از شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند، به عنوان نمونه آماری، انتخاب و بقیه حذف می‌شوند:

— جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد؛

— اطلاعات مورد نیاز شرکت در دوره زمانی پژوهش در دسترس باشد؛

— پایان سال مالی شرکت، پایان اسفند باشد؛

— طی دوره زمانی پژوهش، تغییر سال مالی نداده باشد؛

— سهام شرکت، طی هریک از سال‌های دوره پژوهش، معامله شده باشد.

با توجه به قیود فوق، تعداد ۹۴ شرکت برای انجام آزمون‌های آماری انتخاب شدند.

روش‌های جمع‌آوری اطلاعات

برای گردآوری اطلاعات در خصوص تبیین ادبیات موضوع پژوهش، از روش کتابخانه‌ای و مطالعات اسنادی استفاده شده است. برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز به منظور پردازش فرضیه‌های پژوهش، از اطلاعات موجود در نرم‌افزار شرکت ره‌آورد نوین و بررسی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، با مراجعه به سایت

مدل ۱

در این پژوهش، برای ارزیابی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت افشای اطلاعات، از مدل ۱ استفاده می‌شود؛ به نحوی که باقیمانده مدل، به عنوان معیار دوره تصدی حسابرسی در نظر گرفته شده است.

$$\text{DisclosureQuality} = \beta_0 + \beta_1 \text{AuditTenure} + \beta_2 \text{AuditorSize} + \beta_3 \text{Lev} + \beta_4 \text{Size} + \beta_5 \text{RoA} + \varepsilon$$

DisclosureQuality: کیفیت افشا (امتیاز افشا که از سوی سازمان بورس اعلام می‌شود).

AuditTenure: دوره تصدی حسابرس (متغیر مجازی است؛ اگر دوره تصدی، بیشتر از ۴ سال باشد، عدد ۱، در غیر این صورت، صفر است)

AuditorSize: اندازه مؤسسه حسابرسی (متغیر مجازی است؛ در صورتی که حسابرس شرکت صاحب کار براساس معیار ماده دو دستورالعمل سازمان بورس، در لیست طبقه اول شرکت‌های معتمد سازمان بورس اوراق بهادار قرار گرفته باشد، مقدار متغیر مجازی اندازه مؤسسه حسابرسی، برابر با یک و در غیر این صورت، مقدار آن برابر با صفر است).

Lev: اهرم مالی (نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌ها)

Size: اندازه شرکت (لگاریتم جمع دارایی‌ها)

RoA: سودآوری (نسبت سود خالص به جمع دارایی‌ها)

ε : باقیمانده مدل

مدل ۲

برای ارزیابی تأثیر دوره تصدی حسابرس بر قابل اتکا بودن اطلاعات از طریق مدل ۲، برآورد شده است و باقیمانده مدل، به عنوان معیاری برای دوره تصدی حسابرس در نظر گرفته شده است.

$$\text{Reliability} = \beta_0 + \beta_1 \text{AuditTenure} + \beta_2 \text{AuditorSize} + \beta_3 \text{Lev} + \beta_4 \text{Size} + \beta_5 \text{RoA} + \varepsilon$$

Reliability: قابل اتکا بودن (امتیازی که از طریق سازمان بورس اعلام می‌شود).

رسمی بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. در این مرحله، پس از جمع‌آوری داده‌های آماری، برای جمع‌بندی و محاسبات مورد نیاز از نرم‌افزار Excel و Eviews استفاده شده است.

سؤال اساسی و فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به تأثیر دوره تصدی حسابرس بر کیفیت افشا، اطلاعات ارائه‌شده از طریق شرکت‌ها و تأثیر گزارش حسابرسان و نیز اطلاعات افشا شده بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران، ما به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی هستیم که آیا دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت افشای شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر دارد؟ و چه رابطه معناداری بین متغیرهای تعریف‌شده به عنوان شاخص‌های دوره تصدی حسابرس و کیفیت افشا وجود دارد؟ بر مبنای بررسی‌های انجام‌شده و مبنای نظری موجود، فرضیه‌های پژوهش به صورت یک فرضیه اصلی و دو فرضیه فرعی، به شرح زیر ارائه می‌شود:

فرضیه اصلی: بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی اول: بین دوره تصدی حسابرسی و قابلیت اتکای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه فرعی دوم: بین دوره تصدی حسابرسی و به موقع بودن اطلاعات شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار رابطه معنادار وجود دارد.

داده‌ها و متغیرهای پژوهش

دوره تصدی حسابرس به عنوان متغیر مستقل و قابلیت اتکا و به موقع بودن، به عنوان شاخص‌های اندازه‌گیری برای کیفیت افشا، به عنوان متغیر وابسته و عملکرد شرکت، اندازه شرکت، اهرم مالی، اندازه مؤسسه حسابرسی، به عنوان متغیرهای کنترلی، مجموعه متغیرهای پژوهش را تشکیل می‌دهند.

مدل ۳

برای اندازه‌گیری تأثیر دوره تصدی حسابرس بر به‌موقع‌بودن اطلاعات از طریق مدل ۳ برآورد شده است و باقیمانده مدل، به عنوان معیاری برای دوره تصدی حسابرس در نظر گرفته شده است.

$$\text{Timeliness} = \beta_0 + \beta_1 \text{AuditTenure} + \beta_2 \text{AuditorSize} + \beta_3 \text{Lev} + \beta_4 \text{Size} + \beta_5 \text{RoA} + \varepsilon$$

Timeliness: به‌موقع‌بودن (امتیازی که از طریق سازمان بورس اعلام می‌شود).

۵. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها

انجام آزمون فرضیه‌ها، مستلزم برقراری فرض‌های نرمال‌بودن متغیرهای وابسته، همسانی واریانس و خودهمبستگی است. زیرا در صورت عدم برقراری، نتایج به‌دست‌آمده قابلیت اتکا ندارند و این امر، موجب استنتاج‌های غلط می‌شود. پس از اطمینان از برقراری فرض رگرسیون، فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

آزمون فرضیه اصلی

براساس این فرضیه انتظار می‌رود، بین دوره تصدی

حسابرس و کیفیت افشا رابطه معناداری وجود داشته باشد. قبل از تخمین مدل باید از روش تخمین آن مشخص شود که برای این منظور از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون‌های مزبور، نشان داد که روش تخمین برای مدل ۱، روش تابلویی از نوع مدل اثرات ثابت است. نتایج حاصل از تخمین مدل ۱ در جدول ۱، منعکس شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، باتوجه به احتمال آماره t ، متغیر پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم (۰/۰۰۰۲)، فرضیه اصلی در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود، به عبارتی، بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت افشای اطلاعات رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش دوره تصدی حسابرسی، کیفیت افشای اطلاعاتی را افزایش می‌دهد. همچنین در بین متغیرهای کنترل، متغیرهای اهرم مالی و اندازه شرکت در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنادار و مثبت با متغیر وابسته دارند. باتوجه به احتمال آماره F ، کلی مدل رگرسیون مربوط به فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرها دارد. بنابراین، باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه اول، مبنی بر وجود رابطه معنادار بین طول دوره تصدی حسابرسی و کیفیت افشا را

نمی‌توان رد کرد.

جدول ۱. نتایج آزمون فرضیه اصلی

متغیرها	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره آزمون t	احتمال آزمون t
ضریب ثابت	-۱۶۹/۶۱۶	۲۱/۶۷۳	-۷/۸۲۶	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرسی	۶/۰۴۸	۱/۶۳۰	۳/۷۱	۰/۰۰۰۲
اندازه مؤسسه حسابرسی	-۲/۰۴۷	۱/۷۴۵	-۱/۱۷۲	۰/۲۴۱۴
اهرم مالی	-۴۰/۵۵۰	۶/۳۴۱	-۶/۳۹۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۱۹/۰۶۵	۱/۵۷۹	۱۲/۰۷۰	۰/۰۰۰
سودآوری	-۱۲/۸۹۶	۹/۲۳۵	-۱/۳۹۶	۰/۱۶۳

ضریب تعیین	۰/۵۱	آماره F	۸/۰۳۸۳۲۷	دوربین - واتسون
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۴۵	احتمال F	۰/۰۰۰	۱/۵۴۲۱۴۶

نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

این فرضیه نشان می‌دهد، بین دوره تصدی حسابرِس و قابلیت اتکا رابطه معناداری وجود دارد. روش تابلویی از نوع مدل اثرات ثابت، باتوجه به نتایج آزمون لیمر و هاسمن، برای تخمین این مدل استفاده شد. نتایج حاصل از تخمین مدل ۲، در جدول ۲ منعکس شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، باتوجه به احتمال آماره t ، متغیر پراکندگی پیش‌بینی سود هر سهم ($0/0002$)، فرضیه فرعی اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود، به عبارتی، بین دوره تصدی حسابرِس و قابلیت اتکای اطلاعات، به‌عنوان یکی از معیارهای اندازه‌گیری کیفیت افشا، رابطه معنادار و مثبت

وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش دوره تصدی حسابرِس، قابلیت اتکا اطلاعات را افزایش می‌دهد. به‌علاوه، در بین متغیرهای کنترل، متغیرهای اهرم مالی و اندازه شرکت و سودآوری در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنادار و مثبت با متغیر وابسته دارند. باتوجه به احتمال آماره F ، کل مدل رگرسیون مربوط به فرضیه فرعی اول در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. آماره دوربین واتسون هم دلالت بر عدم وجود خودهمبستگی بین متغیرها دارد. بنابراین، باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه فرعی اول، مبنی بر وجود رابطه معنادار بین طول دوره تصدی حسابرِس و قابلیت اتکا را نمی‌توان رد کرد.

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه فرعی اول

متغیرها	ضریب پراوردی	خطای استاندارد	آماره آزمون t	احتمال آزمون t
ضریب ثابت	-۸/۰۳۵	۲۹/۲۷	-۰/۳۷۴	۰/۷۸۳۸
دوره تصدی حسابرِس	۸/۱۱۸	۲/۲۰۱	۳/۶۸۷	۰/۰۰۰۲
اندازه مؤسسه حسابرِس	-۰/۵۴۶	۲/۳۵۷	-۰/۲۳۱	۰/۸۱۶۸
اهرم مالی	-۴۳/۹۰۵	۸/۵۶۴	-۵/۱۲۶	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۶/۵۲۵	۲/۱۳۳	۳/۰۵۸	۰/۰۰۳۳
سودآوری	-۲۸/۷۰۸	۱۲/۴۷۳	-۲/۳۰۱	۰/۰۲۱۶

ضریب تعیین	۰/۳۸	آماره F	۴/۸۳۶۴۱۷	دوربین - واتسون
ضریب تعیین تعدیل‌شده	۰/۳۱	احتمال F	۰/۰۰۰۰	۱/۶۳۰۸۹۵

نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

این فرضیه نشان می‌دهد، بین دوره تصدی حسابرِس و به‌موقع‌بودن اطلاعات رابطه معناداری وجود دارد. روش تابلویی از نوع مدل اثرات ثابت، باتوجه به نتایج آزمون لیمر و هاسمن، برای تخمین این مدل استفاده شد. نتایج حاصل از تخمین مدل ۳، در جدول ۳ منعکس شده است. همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، باتوجه به احتمال آماره t متغیر دوره تصدی حسابرِس ($0/0040$)، فرضیه فرعی دوم در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود. به عبارتی، بین دوره تصدی حسابرِس و به‌موقع‌بودن اطلاعات، به‌عنوان یکی از معیارهای اندازه‌گیری کیفیت افشا، رابطه معنادار و مثبت

وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که افزایش دوره تصدی حسابرِس، به‌موقع‌بودن اطلاعات را افزایش می‌دهد. به‌علاوه، در بین متغیرهای کنترل، متغیرهای اهرم مالی و اندازه شرکت، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، رابطه معنادار و مثبت با متغیر وابسته دارند. باتوجه به احتمال آماره F ، کل مدل رگرسیون مربوط به فرضیه فرعی اول، در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. آماره دوربین واتسون هم، بر عدم وجود خود همبستگی بین متغیرها دلالت دارد. بنابراین، باتوجه به نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه فرعی دوم، مبنی بر وجود رابطه معنادار بین طول دوره تصدی حسابرِس و قابلیت اتکا را نمی‌توان رد کرد.

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم

متغیرها	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آزمون t
ضریب ثابت	-۲۵۰/۹۹۲	۲۳/۳۳۵	-۱۰/۷۵۵	۰/۰۰۰۰
دوره تصدی حسابرسی	۵/۰۶۴	۱/۷۵۵	۲/۸۸۵	۰/۰۰۴۰
اندازه مؤسسه حسابرسی	-۲/۹۰۶	۱/۸۷۹	-۱/۵۴۶	۰/۱۲۳۵
اهرم مالی	-۳۹/۲۳۷	۶/۸۳۷	-۵/۷۴۶	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	۲۵/۳۹۷	۱/۷۰۰	۱۴/۹۳۳	۰/۰۰۰۰
سودآوری	-۴/۹۱۳	۹/۹۴۳	-۰/۴۹۴	۰/۶۲۱۳

ضریب تعیین	۰/۵۰	آماره F	۷/۹۰۹۸۶۴	دورین - واتسون
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۴۵	احتمال F	۰/۰۰۰۰	۱/۵۴۵۶۷۴

۶. نتیجه گیری و تفسیر نتایج

افزایش یابد، کیفیت افشا افزایش پیدا می کند که دیدگاه اول را تأیید، و دیدگاه دوم را نقض می کند. آنچه از نتایج این پژوهش برمی آید، این است که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، حسابرسان شناخت بیشتری از فعالیت صاحب کار کسب می کنند و آگاهی آنها نسبت به کار بیشتر می شود و از هرگونه ریسک حسابرسی بالقوه اجتناب می ورزند و سعی می کنند با به کارگیری آزمون های بیشتر و قوی تر، حسابرسی با کیفیت تری را انجام دهند.

بنابراین، نتایج این پژوهش، نگرانی سازمان بورس را درخصوص چرخش اجباری حسابرسان در هر ۴ سال، به منظور جلوگیری از ایجاد روابطی که ممکن است باعث خدشه دار شدن استقلال حسابرسان و در نتیجه، کاهش کیفیت حسابرسی شود، برطرف می سازد و حتی پیشنهاد می کند که دوره چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی به ۵ سال یا بیشتر، افزایش یابد که این امر، باعث افزایش توأم کیفیت حسابرسی و نیز کاهش هزینه های حسابرسی ناشی از چرخش حسابرسان می شود. به علاوه، پیشنهاد می شود، استفاده کنندگان از صورت های مالی در تجزیه و تحلیل، به دوره تصدی حسابرسی توجه داشته باشند و به سازمان بورس اوراق بهادار نیز پیشنهاد می شود، در قیمت گذاری سهام شرکت های با دوره تصدی بالایی حسابرسی، به این موضوع توجه داشته باشند. علاوه بر آن، استفاده کنندگان از صورت های مالی، باید

همان طور که در مبانی نظری این پژوهش آمده است، دو دیدگاه درخصوص دوره تصدی حسابرسی مطرح شده است. دو دیدگاه درخصوص دوره تصدی حسابرسی مطرح شده است. دیدگاه اول، مربوط به افزایش طول دوره تصدی حسابرسی است؛ دیدگاه اول، بر این باور است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، حسابرسان شناخت لازم و کافی را از محیط کار صاحب کار به دست می آورد که این امر به افزایش کیفیت حسابرسی و استنباط بازار از کیفیت حسابرسی، گزارشگری و افشای شرکت منجر می شود و بر افشای به موقع و قابل اتکای اطلاعات تأثیر می گذارد.

برعکس، دیدگاه دوم معتقد به کاهش کیفیت حسابرسی، با افزایش دوره تصدی حسابرسی است که به کاهش کیفیت افشا و افزایش عدم اطمینان اطلاعاتی منجر می شود. طرفداران چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی استدلال می کنند که دوره تصدی طولانی تر، ممکن است به کاهش استقلال و بی طرفی حسابرسان منجر شود. به عبارت دیگر، دوره تصدی طولانی تر، ممکن است، به عنوان افزایش منافع اقتصادی حسابرسان تعبیر شود.

براساس یافته های پژوهش حاضر، بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت افشا، رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. به بیان دیگر، هرچه مدت همکاری حسابرسان و صاحب کار

تعهدی اختیاری»، دهمین همایش ملی حسابداری دانشگاه الزهراء، ص ۱۰۰-۸۵.

کرمی، غلامرضا و بذرافشان، آمنه. ۱۳۸۸. «بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال دوم، ش ۷، ص ۸۰-۵۵.

Almutairi, Ali R.; Kimberly, A. Dunn; Skantz, Terrance. 2009. "Auditor Tenure, Auditor Specialization, and Information Asymmetry", *Managerial Auditing Journal* 24(7).

Arrunada, B. and Paz-Ares C. 1997. "Mandatory rotation of Company Auditors: A Critical Examination", *International Review of Law and Economics* 17(1), 31-61.

Carcello, J. V. and Nagy, A. L. 2004. "Audit Firm Tenure and Fraudulent Financial Reporting", *Auditing: A Journal of Practice & Theory* 23(2), 55-69.

Carcello, Jpseph V. and Reid, Lauren V. 2014. "Investor Reaction to the Prospect of Mandatory Audit Firm Rotation", online, at: <http://ssrn.com/abstract=2384152>

Chi, L. C. 2009. "Do Transparency and Disclosure Predict Firm Performance? Evidence from the Taiwan Market", *Expert Systems with Applications* 36, 11198-11203.

Francis, J. R.; La Fond, P.; Schipper, K. 2004. "Costs of Equity and Earnings Attributes", *The Accounting Review* 79, 967-1010.

Gul, F. A.; Fung, S. Y.; Jaggi, B. L. 2009. "Earning Quality: Some Evidence on the Role of Auditor Tenure and Auditors", *Industry Expertise, Journal of Accounting and Economics* 47, 265-280.

در تجزیه و تحلیل، به دوره تصدی حسابرسی توجه داشته باشند؛ چراکه با افزایش دوره تصدی، کیفیت حسابرسی بالاتر و اطلاعات مالی گزارش‌شده، کیفیت افشای بالاتری خواهند داشت. به مدیران شرکت‌ها توصیه می‌شود، درخصوص شفاف‌سازی هرچه بیشتر ارائه اطلاعات، همکاری‌های لازم را با حسابرسان انجام دهند تا آنان بتوانند گزارش‌های خود را به‌موقع ارائه دهند و اطلاعاتی به بازار مخابره کنند که دارای کیفیت افشای بالایی باشد.

نتایج این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های آلمتری^۱ و همکاران (۲۰۰۹)، و کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) همسو، و با نتایج پژوهش‌های استنلی^۲ و دیزورت^۳ (۲۰۰۷)، در تضاد است. باتوجه به پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود، پژوهشگران بعدی، روابط زیر را بررسی و تبیین کنند:

۱. بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی با استقلال حسابرس و چرخه عمر؛
۲. بررسی رابطه دوره تصدی حسابرس با ارزش بازار؛
۳. بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی با کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی؛
۴. بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی با کیفیت سود، با استفاده از مدلی غیرمدل تعدیل‌شده جونز؛
۵. بررسی رابطه دوره تصدی حسابرسی با واکنش بازار سهام.

مرجع‌ها

ستایش، محمدحسین؛ کاظم‌نژاد، مصطفی؛ ذوالفقاری، مهدی. ۱۳۹۰. «بررسی تأثیر کیفیت افشا بر نقدشوندگی سهام و هزینه سرمایه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران»، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی ۳، ۵۵-۵۵.

سجادی، سیدحسین و جعفری‌پور، میثم. ۱۳۸۹. «چرخش اجباری حسابرسی و اثرات آن»، مجله حسابداری رسمی ۱۰.

کاشانی‌پور، محمد؛ مران‌جوری، مهدی؛ مشعشی، سیدمحمد. ۱۳۹۱. «بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و اقلام

- Stanley, J. D. and DeZoort, F. T. 2007. "Audit Firm Tenure and Financial Restatements: An Analysis of Industry Specialization and Fee Effects", *Journal of Accounting and Public Policy* 26(2), 131-159.
- Li, D. 2007. Auditor Tenure and Accounting Conservatism(Ph.D. Thesis), Georgia Institute of Technology.
- Li, D. 2010. "Does Auditor Tenure Affect Accounting Conservatism? Further Evidence", *J. Account. Public Policy* 29, 226-241.
- Myers, J. N.; Myers, L. A.; Omer, C. T. 2003. "Exploring the Term of the Auditor-client Relationship and the Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation?", *The Accounting Review* 78(3), 779-799.

